**Theology Studies**

**Print ISSN: 2981-0450**
**Online ISSN: 2981-054X**

**Journal Homepage: https://kalampajouhi.whc.ir**

# Pedagogical Principles Guiding the Prophets' Conduct toward Erring Relatives

**Mohammad Mahdavi** ✉ [1], **Seyyed Hosein Olyanasab** [2], **Mohammad Azimi** [3]

1. Corresponding author, Associate Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.. Email: mo.mahdavi@tabrizu.ac.ir
2. Associate Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology, University of Tabriz, Tabriz, Iran. olyanasab@tabrizu.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Islamic Sciences, Faculty of Theology and Islamic Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: mo.azimi@tabrizu.ac.ir

## Article Info

**Article type:**
Research Article

**Article history:**
Received 3 November 2025
Received in revised form 6 February 2026
Accepted 11 March 2026
Available online 6 September 2026

***Keywords***:
Divine Prophets; Guidance; Correction; Erring Relatives; Educational Conduct.

## ABSTRACT

This study examines and classifies the methods of guidance and correction employed by the prophets in addressing wrongdoing among their close relatives. It adopts a descriptive-analytical approach grounded in the Qur'an, religious narrations, and historical accounts. The central research question is how the prophets balanced familial affection with their divine mission and which principles and strategies guided their responses to their relatives' misconduct. The findings indicate that the prophetic pedagogical model comprises two main categories: direct and indirect methods. Direct methods include warning, conveying glad tidings, showing compassion, exercising patience, reasoning, supplication, and challenging wrongdoing. These methods are characterized by explicit, immediate, and face-to-face communication. Indirect methods, such as storytelling, parables, moral exhortation, and the communication of wisdom, employ non-confrontational approaches to gradually awaken the audience's moral conscience. In corrective practice, two essential components—creating a safe environment for acknowledging mistakes and providing opportunities for repentance and restitution—play a decisive role in helping wrongdoers return to the right path. An examination of examples involving Noah, Abraham, Jacob, Joseph, Moses, and the Prophet Muhammad demonstrates that the choice of method depended on the circumstances of the time, the nature of the wrongdoing, the characteristics of those addressed, and the demands of the prophetic mission. The study concludes that the prophetic tradition offers a systematic, multilayered model for addressing wrongdoing, fostering moral development, and improving interpersonal relationships. This model can serve as a practical framework for contemporary educational, familial, and managerial settings.

**Cite this article:** Mahdavi, M. Olyanasab, S & Azimi, M (2026). Pedagogical Principles Guiding the Prophets' Conduct toward Erring Relatives. *Theology Studies*, *9*(5), 55-72. http://dx.doi.org/10.22034/kalam.2026.1871.1218

© The Author(s) retain the copyright. **Publisher**: Noor-al-Zahra Higher Education Institute.
**DOI**: http://dx.doi.org/10.22034/kalam.2026.1871.1218



# کلام پژوهی

شاپای چـــاپی: 2981-0450

شاپای الکترونیکی: 2981-054X

Journal Homepage: https://kalampajouhi.whc.ir


# شیوه‌های هدایتی و اصلاحی پیامبران در ارتباط با نزدیکان خطاکار


محمد مهدوی [۱] ✉، سیدحسین علیانسب [۲]، محمد عظیمی [۳]

۱. نویسنده مسئول، دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: mo.mahdavi@tabrizu.ac.ir

۲. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: olyanasab@tabrizu.ac.ir

۳. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: mo.azimi@tabrizu.ac.ir


## اطلاعات مقاله


**نوع مقاله:**

مقاله پژوهشی،

**تاریخچه مقاله:**

**تاریخ دریافت:** ۱۴۰۴/۸/۱۲

**تاریخ بازنگری:** ۱۴۰۴/۱۱/۱۷

**تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۴/۱۲/۲۰

**تاریخ انتشار:** ۱۴۰۵/۶/۱۵

**کلیدواژه‌ها:**

پیامبران الهی؛ هدایت؛ اصلاح؛ نزدیکان خطاکار؛ سیره تربیتی.


## چکیده


این پژوهش با هدف تبیین و دسته‌بندی شیوه‌های هدایتی و اصلاحی پیامبران در مواجهه با خطاهای نزدیکان، با رویکردی توصیفی ـ تحلیلی و مبتنی بر قرآن، روایات و گزارش‌های تاریخی انجام شده است. مسئله مرکزی تحقیق آن است که پیامبران الهی چگونه میان عواطف خانوادگی و رسالت الهی جمع کرده‌اند و در برابر خطای خویشاوندان، از چه اصول و روش‌هایی بهره برده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که الگوی تربیتی پیامبران بر دو طیف «روش‌های مستقیم» و «روش‌های غیرمستقیم» استوار است. روش‌های مستقیم شامل انذار، تبشیر، محبت، صبر، استدلال، دعا و تحدّی است که با خطاب صریح و بی‌واسطه همراه‌اند. در مقابل، روش‌های غیرمستقیم، همچون قصه‌گویی، تمثیل، موعظه و حکمت، بدون مواجهه رودررو و با تکیه بر بیدارسازی تدریجی وجدان اخلاقی مخاطب به کار گرفته شده‌اند. در حوزه اصلاح، دو مؤلفه اساسی، یعنی «فضاسازی برای پذیرش خطا» و «ارائه راه‌های جبران و توبه»، نقشی محوری در بازگرداندن فرد خطاکار به مسیر صحیح داشته‌اند. بررسی نمونه‌هایی از رفتار پیامبران ـ از نوح و ابراهیم تا یعقوب، یوسف، موسی و پیامبر اسلام ـ نشان می‌دهد که انتخاب روش، تابع شرایط زمانی، ویژگی خطا، شخصیت مخاطب و مصالح رسالت بوده است. نتیجه پژوهش آن است که سیره انبیا واجد الگویی نظام‌مند و چندلایه برای مدیریت خطا، تربیت اخلاقی و اصلاح روابط انسانی است و می‌تواند در نظام‌های تربیتی، خانوادگی و مدیریتی معاصر، به‌عنوان الگویی کاربردی مورد بهره‌گیری قرار گیرد.



**استناد:** مهدوی، محمد؛ علیانسب، سیدحسین؛ و عظیمی، محمد (۱۴۰۵). شیوه‌های هدایتی و اصلاحی پیامبران در ارتباط با نزدیکان خطاکار. *کلام پژوهی*، ۹(۵)، ۵۵-۷۲. http://dx.doi.org/10.22034/kalam.2026.1871.1218

**ناشر:** مؤسسه آموزش عالی نورالزهرا(س) زنجان.



© نویسندگان.



http://dx.doi.org/10.22034/kalam.2026.1871.1218

## مقدمه

هدایت جامعه و اصلاح رفتارهای انحرافی از رسالت‌های اصلی پیامبران الهی بوده است. در این مسیر، آنان با چالش‌های متعددی روبه‌رو بودند که یکی از حساس‌ترین آن‌ها، مواجهه با خطاهای نزدیکان و خویشاوندان بود. این مسئله زمانی پیچیده‌تر می‌شود که نزدیکان پیامبران، با بهره‌گیری از جایگاه خویشاوندی، مرتکب تخلفاتی شوند که نه‌تنها وجهه فردی، بلکه اعتبار رسالت نبوی را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

مقاله حاضر در پی بررسی این پرسش اساسی است که پیامبران الهی با چه شیوه‌های هدایتی و اصلاحی، به مدیریت رفتار و اصلاح نزدیکان خطاکار خود پرداخته‌اند؟ آیا آنان با اغماض از خطاها و بر اساس سلیقه شخصی رفتار می‌کردند یا با اتخاذ مواضع قاطعانه، اصلاحگری را بر رابطه خویشاوندی ترجیح می‌دادند؟

مطالعه موردی این موضوع در سیره پیامبرانی مانند حضرت نوح (ع)، که با انحراف پسرش روبه‌رو شد، حضرت لوط (ع)، در مواجهه با همسر خائن، و نیز پیامبر اسلام (ص)، در برخورد با برخی خویشاوندان، می‌تواند الگوهای رفتاری جامعی ارائه دهد. شناخت این شیوه‌ها نه‌تنها از منظر تاریخ ادیان حائز اهمیت است، بلکه می‌تواند به‌عنوان الگویی کاربردی برای نظام‌های تربیتی، مدیریتی و حتی حکومتی در عصر حاضر مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

این پژوهش درصدد است با واکاوی متون دینی و تاریخی، به تبیین راهبردهای پیامبران در مواجهه با نزدیکان خطاکار بپردازد و الگویی نظام‌مند از شیوه‌های هدایتی و اصلاحی ایشان استخراج نماید.

موضوع «شیوه‌های هدایتی و اصلاحی پیامبران در ارتباط با نزدیکان خطاکار»، اگرچه به‌صورت پراکنده در منابع اسلامی و تاریخی مورد اشاره قرار گرفته، به‌عنوان موضوعی مستقل و نظام‌مند، کمتر به‌صورت جامع بررسی و تحلیل شده است. بخش عمده‌ای از مباحث مرتبط در تفاسیر قرآن کریم و کتاب‌های تاریخ انبیا آمده است. کتاب‌هایی مانند «تاریخ الانبیاء» و «قصص الانبیاء» به شرح حوادث زندگی پیامبران پرداخته‌اند. در این منابع، مواجهه پیامبرانی مانند نوح (ع) با پسرش کنعان، لوط (ع) با همسرش و دیگر نمونه‌های مشابه ذکر شده است. بااین‌حال، تمرکز این آثار بیشتر بر جنبه‌های تاریخی و تفسیری است و کمتر به استخراج نظام‌مند الگوهای تربیتی و مدیریتی پرداخته‌اند.

مقاله حاضر، با هدف پر کردن این خلأها، در پی گردآوری، دسته‌بندی و تحلیل همه موارد قابل استناد در متون دینی درباره برخورد پیامبران با نزدیکان خطاکار است و در نهایت، الگویی یکپارچه و کاربردی ارائه خواهد داد که می‌تواند برای رهبران، مدیران، معلمان و حتی والدین، در مواجهه با چالش‌های مشابه، راهگشا باشد.

## ۱. تبیین مفاهیم و اصطلاحات پژوهش

پیش‌نیاز ورود به هر بحث، آشنایی با اصطلاحات و مفاهیم کاربردی و پرتکرار آن است؛ ازاین‌رو، در این بخش به تبیین برخی از مفاهیم و اصطلاحات اساسی پژوهش می‌پردازیم.

### ۱ـ۱. هدایت

در منظومه فکری دینی، «هدایت» به معنای نشان دادن راه راست و رساندن به مقصود است (زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۳۲۷/۲۰). این مفهوم دارای مراتبی است؛ از «هدلیت تکوینی» عمومی، که تمام موجودات را در بر می‌گیرد، تا «هدلیت تشریعی»، که از طریق

ارسال پیامبران و تعلیم شرایع محقق می‌شود (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق: ۳۵۶/۳). در این پژوهش، مقصود از هدایت، «ارائه طریق» و «دعوت فعالانه به‌سوی حق» توسط پیامبران است که با ابزارهای گوناگونی، چون موعظه، بشارت، انذار و ارائه الگوی عملی، همراه است (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۲۰).

### ۱ـ۲. اصلاح

«اصلاح» نقطه مقابل «افساد» است و به اقداماتی اطلاق می‌شود که هدف آن‌ها، زدودن انحرافات، برطرف کردن کژی‌ها و بازگرداندن امور به حالت تعادل و صحت است (عمید، ۱۳۶۴: ۱۸۰). راغب اصفهانی می‌گوید: «الفساد خروج الشیء عن الاعتدال قلیلاً کان أو کثیراً و یضادّه الصلاح، و یستعمل ذلک فی النفس و البدن و الأشیاء الخارجة عن الاستقامة» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ماده «صلح»).

در چارچوب این تحقیق، اصلاح به «فرایند بهبودبخشی و تغییر مثبت» در رفتار، عقیده یا منش افراد خطاکار اشاره دارد که پیامبران، با به‌کارگیری شیوه‌های حکیمانه، در پی تحقق آن در نزدیکان خود بودند.

### ۱ـ۳. نزدیکان پیامبران در قرآن

حوزه «نزدیکان» در قرآن، که در این پژوهش مورد توجه است، با مجموعه‌ای از واژگان متنوع بیان می‌شود که به روابط خویشاوندی و دوستی اشاره دارند؛ مانند «اهل، آل، عشیره، رهط، فصیله، قبیله، شعب، قوم، قربی و ارحام». هریک از این واژه‌ها به سطحی از پیوندهای خانوادگی و خویشاوندی، در گستره‌ای از روابط خرد تا کلان، دلالت دارند (ناصحی، ۱۳۱۸: ۲۲۵).

در دوران رسالت پیامبران (ع)، نزدیکان ایشان از نظر جایگاه و میزان همراهی با مأموریت الهی، در گروه‌های گوناگونی قرار می‌گرفتند. این گروه‌ها شامل دو دسته‌اند: نخست، اعضای خانواده، مانند همسران، فرزندان و بستگان نسبی و سببی؛ و دوم، اصحاب و یاران نزدیک پیامبران (ع)، که در مسیر تبلیغ و گسترش دین با ایشان همکاری و همراهی داشتند (مهدوی و همکاران، ۱۴۰۴: ۵۲).

### ۱ـ۴. مفهوم «خطا»

واژه «خَطَأ»، با فتح خاء و طاء، از مفاهیم قرآنی است و به معنای اشتباه به کار می‌رود (قرشی بنابی، ۱۳۸۷: ۲۵۸/۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۸۷-۲۸۸؛ طریحی نجفی، ۱۳۷۵: ۱۲۴/۱-۱۲۶). این واژه در کاربرد لغوی، در برابر «صواب» قرار دارد و به معنای نادرستی، خطا یا گناه است. به فردی که عملی نادرست را، چه آگاهانه و عمدی و چه ناآگاهانه و سهوی، انجام دهد، «خطاکار» گفته می‌شود (جوهری، ۱۴۰۱: ۱۶۲/۱).

## ۲. شیوه‌های هدایتی پیامبران

پیامبران الهی، به‌عنوان برگزیدگان خداوند و حاملان رسالت هدایت، همواره نقشی بنیادی در رهنمون ساختن انسان‌ها به‌سوی حقیقت و سعادت داشته‌اند. آنان برای تحقق این رسالت، از شیوه‌های متعدد و متنوعی بهره برده‌اند که با شرایط تاریخی، فرهنگی و روانی هر قوم تناسب داشته است. بر اساس معیار «نحوه انتقال پیام و مواجهه با مخاطب»، می‌توان این شیوه‌ها را به دو دسته کلی «روش‌های مستقیم» و «روش‌های غیرمستقیم» تقسیم کرد (حاجی عبدالباقی، ۱۳۹۷: ۴۳). ملاک این دسته‌بندی آن است که پیام الهی یا به‌صورت صریح و رودررو منتقل شود یا در قالبی غیرصریح و با واسطه‌هایی همچون روایت، تمثیل و حکمت به مخاطب برسد.

### ۲ـ۱. روش‌های مستقیم: رویکردی صریح و بی‌واسطه به هدایت

روش‌های مستقیم به شیوه‌هایی اطلاق می‌شود که در آن‌ها، پیام به‌صورت صریح، آشکار، رودررو و بدون واسطه بیان می‌شود و پیامبر مستقیماً مخاطب را خطاب قرار می‌دهد. در این روش‌ها، انتقال پیام بدون استفاده از ابزارهای روایی یا هنری صورت می‌گیرد و مخاطب به‌طور مستقیم درمی‌یابد که به چه رفتار، باور یا تصمیمی دعوت می‌شود و از چه امری باید پرهیز کند.

این شیوه‌ها شامل اقداماتی است که پیامبران برای ابلاغ پیام الهی، اقناع مخاطبان و اثبات حقانیت رسالت به کار می‌بردند؛ از جمله موعظه‌های آشکار، مناظره‌های رودررو، هشدارهای صریح، تبشیر و ارائه نشانه‌ها و معجزات. پیامبران، با رعایت مصالح رسالت و شرایط زمانی، در مواجهه با نزدیکان خطاکار نیز از همین روش‌های مستقیم بهره می‌گرفتند. نمونه‌های متعدد گفت‌وگو، استدلال و انذار پیامبران در مواجهه با مشرکان، منکران و حتی خویشاوندان در قرآن، جلوه‌ای روشن از کاربست این روش‌ها در هدایت و اصلاح مستقیم مخاطبان است.

#### ۲ـ۱ـ۱. روش انذار: تذکر مصرانه و هشدار درباره عذاب الهی

از مهم‌ترین ابزارهای هدایت مستقیم پیامبران، «انذار» است؛ هشداری روشن درباره پیامدهای گناه و کفر، برای بیدار کردن انسان از غفلت. آنان با صراحت، نزدیکان خطاکار خود را از گمراهی بازمی‌داشتند و به رستگاری دعوت می‌کردند تا پیام الهی را بی‌واسطه و آشکار درک کنند. در اینجا چند مصداق ذکر می‌شود:

الف) داستان حضرت نوح (ع) و فرزندش در آیات ۴۲ و ۴۳ سوره هود، نمونه‌ای بارز از روش مستقیم هدایتی است. نوح (ع) پیوسته به قوم و فرزندش درباره عذاب الهی هشدار می‌داد و آنان را به توبه و بازگشت به خدا دعوت می‌کرد. او با مهربانی فرزندش را خطاب کرد و فرمود: «ای پسرم، با ما سوار شو و با کافران مباش»؛ اما پسر، مغرورانه به کوه پناه برد. نوح (ع) با قاطعیت پاسخ داد: «امروز هیچ پناهی از فرمان خدا نیست، مگر برای آن‌که خدا بر او رحم کند». این گفت‌وگو بیانگر پایبندی حضرت نوح (ع) به اصول الهی، حتی در برابر عاطفه پدری، است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۴۸/۱۰). همچنین تعبیرهای «لیلاً و نهاراً» و «جهاراً و سراً» در سوره نوح نشان می‌دهد که او در تمام اوقات و با شیوه‌های گوناگون، آشکارا و پنهانی، مردم را به حق فرامی‌خواند (رازی، ۱۳۷۶: ۴۲۵/۷۳).

ب) ابراهیم (ع) به پدرش آزر درباره عاقبت بت‌پرستی هشدار داد و او را از پیروی شیطان برحذر داشت و فرمود: «پدرجان، شیطان را مپرست که در برابر خدای رحمان سرکش است؛ می‌ترسم عذابی از سوی خدا تو را فراگیرد و از یاران شیطان شوی» (مریم: ۴۴-۴۵).

ج) رسول خدا (ص) دعوت خود به اسلام را نخست پنهانی و سپس آشکارا آغاز کرد و نزدیکانش را نیز به توحید فراخواند (شعراء: ۲۱۴). طبق نقل ابن‌عباس در «مجمع‌البیان»، هنگامی که آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» نازل شد، پیامبر (ص) بر فراز صفا ایستاد و به قریش هشدار داد: «شما را از عذابی سخت بیم می‌دهم». ابولهب با بی‌ادبی واکنش نشان داد و در پاسخ، سوره «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ» نازل شد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۸۳/۲۰). تلاش بی‌وقفه پیامبر در هدایت مردم چنان بود که قرآن، دلسوزی او را تا حدی وصف می‌کند که نزدیک بود از اندوه ایمان نیاوردن قومش، جان خود را از دست بدهد: «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ...» (کهف: ۶؛ سبحانی تبریزی، ۱۳۷۹).

#### ۲ـ۱ـ۲. روش تبشیر: تأکید بر رحمت و بخشش خداوند

از مهم‌ترین ابزارهای هدایت مستقیم پیامبران، «تبشیر» است؛ مژده پاداش الهی برای ایمان و عمل صالح، با هدف تقویت امید و انگیزه. آنان با یادآوری رحمت و بخشش خدا، خطاکاران را به توبه فرامی‌خواندند و وعده آمرزش الهی می‌دادند (زمر: ۵۳).

در قرآن، خداوند به موسی و هارون فرمان می‌دهد که هنگام گفت‌وگو با فرعون، با زبانی نرم سخن بگویند؛ شاید متذکر شود و بازگردد (طه: ۴۴). این آیه بیانگر تأثیر رویکرد ملایم، حتی در برابر گناهکاران بزرگ، است. در انجیل نیز عیسی (ع) زنی را که به زنا متهم بود، از سنگسار نجات داد و فرمود: «هرکه بی‌گناه است، نخستین سنگ را بزند». همه با شرمندگی کنار رفتند و او زن را بخشید و گفت: «برو و دیگر گناه مکن» (یوحنا، فصل ۸: آیات ۱-۱۱). این دو نمونه نشان می‌دهد که مهربانی، گذشت و دعوت به توبه، از مؤثرترین ابزارهای اصلاح و بازسازی انسان خطاکارند.

### ۲ـ۱ـ۳. روش محبت و شفقت

یکی از اصول مهم تربیت پیامبران، استفاده از محبت و شفقت در تعامل با دیگران است؛ محبتی عمیق و هدفمند که دل‌ها را جذب می‌کند و زمینه پذیرش پیام الهی را فراهم می‌سازد. برای مثال:

الف) نوح (ع) با لحنی سرشار از مهربانی و عطوفت، فرزندش را با تعبیر «یا بُنَیَّ» خطاب می‌کرد (هود: ۴۲).

ب) مناظره ابراهیم (ع) با پدرش آزر در سوره مریم، نمونه‌ای از هدایت مستقیم همراه با ادب و دلسوزی است (مریم: ۴۱-۴۲). او با لحنی مهربان، اما قاطع، آزر را از بت‌پرستی برحذر داشت و به توحید دعوت کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲۰/۱۳). حتی در برابر تهدید و اهانت پدر، با متانت و احترام پاسخ گفت.

ج) قرآن کریم از سیره پیامبر (ص) با تعبیر «خُلق عظیم» یاد می‌کند: «وَإِنَّکَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴). خداوند در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «به سبب رحمت الهی با آنان نرم‌خو شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، از پیرامونت پراکنده می‌شدند» (آل‌عمران: ۱۵۹). مفسر کابلی می‌گوید: نرم‌خویی پیامبر (ص) موجب جذب امت و بقای اسلام شد (دیوبندی، ۱۳۹۴). نمونه‌ای از این مهربانی، ماجرای مردی است که در ماه رمضان مرتکب خطا شد؛ پیامبر (ص) به‌جای سرزنش، با رأفت، راه توبه و جبران را به او آموخت (مازندرانی، ۱۴۲۹: ۱۵۰/۴). بدین‌سان، پیامبر (ص) با موعظه، گذشت و اخلاق نیکو، مردم را به نیکی فرامی‌خواند و حتی مخالفان را با عطوفت خویش جذب می‌کرد.

### ۲ـ۱ـ۴. روش دعا و استغفار

پیامبران الهی، در کنار تلاش‌های تربیتی خود، همواره به دعا و توسل به درگاه خداوند توجه ویژه داشتند؛ زیرا هدایت را امری الهی می‌دانستند که جز با یاری خدا تحقق نمی‌یابد. دعا برای آنان نه‌تنها مایه آرامش و استقامت بود، بلکه زمینه‌ساز جلب رحمت الهی و هدایت نزدیکان نیز محسوب می‌شد.

ابراهیم (ع)، با وجود تهدیدهای پدرش آزر، با آرامش گفت: «سلام بر تو، از پروردگارم برایت آمرزش خواهم خواست» (مریم: ۴۷). هنگامی که از هدایت او ناامید شد، از او کناره گرفت و فرمود: «از شما و آنچه می‌پرستید کناره می‌گیرم و پروردگارم را می‌خوانم» (مریم: ۴۸). همچنین، پس از ناکامی در هدایت قومش، به درگاه خدا دعا کرد تا آنان را به سزای اعمالشان برساند.

در داستان یعقوب (ع)، هنگامی که پسرانش با دروغ و رفتار ناپسند او را رنجاندند، از آنان روی نگرداند؛ بلکه برایشان طلب آمرزش کرد (یوسف: ۹۷-۹۸) و با تربیت اخلاقی، آنان را به راه راست بازگرداند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۳۶/۱۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴:

۷۵/۱). یوسف (ع) نیز پس از بخشش برادرانش، برای آنان دعا کرد و گفت: «يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (یوسف: ۹۲). این نمونه‌ها نشان می‌دهد که دعا، همراه با تربیت حکیمانه، نقشی مؤثر در هدایت و اصلاح نزدیکان دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۲۳/۱۱).

### ۲ـ۱ـ۵. روش استدلال منطقی

حضرت ابراهیم (ع) از استدلال منطقی و گفت‌وگوی عقلانی برای هدایت پدر و قوم خود بهره گرفت. او با نشان دادن بی‌فایده بودن بت‌ها، آنان را به پرستش خدای یگانه دعوت کرد و در آیه «يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ...» (مریم: ۴۲)، به‌روشنی ناتوانی بت‌ها را بیان نمود. شکستن بت‌ها و گذاشتن تبر بر دوش بت بزرگ‌تر، شیوه‌ای نمادین برای بیدار کردن عقل مردم بود (انبیاء: ۵۲-۶۰). همچنین، در ماجرای توجه او به ستاره، ماه و خورشید در سوره انعام، استدلال عقلی او در تبیین توحید ناب به‌خوبی نمایان است. نجات ابراهیم از آتش نیز تأییدی الهی بر حقانیت او بود و پیامش را استوارتر ساخت (صافات: ۹۱-۹۸).

پیامبر اسلام (ص) نیز در مواجهه با مسائل اجتماعی و تربیتی، روش گفت‌وگو و استدلال را برگزید. در ماجرای صلح حدیبیه، هنگامی که برخی صحابه، از جمله عمر بن خطاب، تصمیم پیامبر (ص) به صلح با مشرکان را نشانه ضعف دانستند (ذهبی، ۱۴۰۹: ۳۷۱/۲)، پیامبر (ص) با آرامش و منطق، آنان را متوجه حکمت الهی و مصالح امت کرد (ابن‌هشام، بی‌تا: ۳۱۶/۳). او به‌جای سرزنش، با توضیح پیامدهای مثبت صلح، مانند گسترش امنیت و فراهم شدن فرصت دعوت، شک و تردیدها را برطرف نمود (ابن‌کثیر، ۱۴۰۷: ۳۱۲/۵).

در ماجرای فرماندهی زید بن حارثه و اسامه بن زید نیز پیامبر (ص)، با وجود اعتراض برخی صحابه، با استدلالی روشن شایستگی آنان را بیان کرد و معیار برتری را تقوا و لیاقت دانست، نه نسب و جایگاه اجتماعی (ابن‌کثیر، همان). بدین‌گونه، پیامبر (ص) نشان داد که عقلانیت، منطق و گفت‌وگوی حکیمانه در تربیت و هدایت پایدار نقش اساسی دارند؛ روشی که هر دو پیامبر الهی برای بیدارسازی فطرت انسان‌ها برگزیدند.

### ۲ـ۱ـ۶. روش صبر و استقامت

تربیت، فرایندی تدریجی و نیازمند صبر است. پیامبران الهی با شکیبایی در برابر خطاها، زمینه توبه و بازگشت انسان‌ها را فراهم می‌کردند. در ادامه، به چند نمونه از رفتار آنان اشاره می‌شود.

یعقوب (ع)، با وجود رنج‌های فراوان از سوی فرزندانش، صبورانه به بازگشت آنان امید داشت و این پایداری، سرانجام زمینه توبه و اصلاح آنان را فراهم کرد. پیامبر اسلام (ص) نیز در برابر دشمنی ابولهب، عموی خود، با خویشتن‌داری رسالتش را ادامه داد. نزول سوره «مسد»، پاسخی الهی به لجاجت ابولهب بود و نشان داد که صبر در برابر دشمنی و کینه‌توزی، راهی مؤثر برای استمرار رسالت و مقابله با توطئه‌هاست (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸۷۹/۲۰).

## ۲ـ۲. روش‌های غیرمستقیم

در برابر روش‌های مستقیم، که بر خطاب صریح و مواجهه رودررو استوارند، روش‌های غیرمستقیم به شیوه‌هایی گفته می‌شود که پیامبر در آن‌ها، تعالیم الهی را نه به‌صورت آشکار و مستقیم، بلکه در قالب‌هایی غیرصریح و با واسطه به مخاطب منتقل می‌کند. معیار اصلی در این دسته از روش‌ها آن است که پیام در قالب قصه، تمثیل، حکمت، موعظه غیرخطابی یا تصویرسازی اخلاقی ارائه می‌شود و مخاطب، بدون احساس سرزنش یا خطاب مستقیم، خود به نتیجه‌گیری و بازاندیشی در رفتار خویش می‌رسد.

این روش‌ها، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های روان‌شناختی و تربیتی، به‌ویژه در موقعیت‌هایی به کار می‌روند که مخاطب در برابر گفت‌وگوی مستقیم مقاومت نشان می‌دهد، خطا جنبه‌ای حساس یا عاطفی دارد، یا مصلحت رسالت اقتضا می‌کند که پیام الهی به‌تدریج و از مسیر تأمل و بیدارسازی درونی منتقل شود.

نقل سرگذشت اقوام پیشین، بیان تمثیل‌هایی همچون خانه عنکبوت یا باغداران، استفاده از حکمت‌های کوتاه و موجز، و تکیه بر مواعظی که بدون نام بردن از فرد خطاکار، رفتار نادرست را تحلیل می‌کنند، از مهم‌ترین مصادیق این شیوه‌اند. قرآن کریم، با ارائه داستان‌هایی همچون قصه یوسف، نوح و موسی و نیز با ذکر تمثیل‌های اخلاقی و اجتماعی، نمونه‌های برجسته‌ای از این رویکرد را به نمایش می‌گذارد.

پیامبران الهی نیز در برخورد با نزدیکان خطاکار، هنگامی که هدف، تنبه تدریجی، حفظ حرمت خانوادگی یا ایجاد آمادگی ذهنی برای اصلاح بود، از این شیوه غیرمستقیم استفاده می‌کردند. بدین‌ترتیب، روش‌های غیرمستقیم مکمل روش‌های مستقیم‌اند و در کنار آن‌ها، منظومه‌ای چندلایه و حکیمانه از رهیافت‌های تربیتی پیامبران را شکل می‌دهند که با شرایط روانی و اجتماعی هر موقعیت سازگار است.

### ۲ـ۲ـ۱. قصه‌گویی و مثال زدن به‌عنوان ابزار هدایتی

قصه‌گویی از مؤثرترین شیوه‌های تربیتی و ارتباطی پیامبران الهی بود. قرآن کریم، با بهره‌گیری گسترده از داستان‌های پیامبران و اقوام گذشته، اهمیت این روش را در انتقال مفاهیم دینی و اخلاقی نشان می‌دهد. قصه‌ها، با قدرت تصویرسازی و جذابیت ذاتی، مخاطب را به تفکر و درک عمیق‌تر حقیقت دعوت می‌کنند. پیامبران نیز با شناخت این ظرفیت، از قصه‌گویی برای هدایت نزدیکان خود بهره می‌بردند؛ به‌ویژه حضرت یعقوب (ع)، که با یادآوری ماجرای حضرت یوسف (ع)، فرزندانش را به صبر، امید و توکل به خدا فرامی‌خواند. این داستان، الگویی جاودان از بخشش، ایمان و صبوری در برابر ناملایمات است.

همچنین، استفاده از مثال و تمثیل در سخنان پیامبران، روشی برای ساده‌سازی مفاهیم انتزاعی بود. در قرآن کریم، مثال‌های روشنگری درباره زندگی دنیا، نعمت‌های الهی و عواقب اعمال انسان آمده است که در ذهن و دل مخاطب نفوذ می‌کند. این روش‌ها، با زبانی ملموس و قابل‌فهم، مفاهیم پیچیده را به بیانی شیرین و اثرگذار تبدیل می‌کنند و زمینه اصلاح و بیداری درونی انسان را فراهم می‌سازند.

در قرآن کریم، قصه‌گویی و مثال زدن، به‌عنوان روشی مؤثر در هدایت و اصلاح، جایگاهی ویژه دارد. پیامبران الهی از این شیوه برای تأثیرگذاری بر دل‌ها و بیدارسازی وجدان انسان‌ها، به‌ویژه نزدیکان خود، بهره می‌بردند. در ادامه، به چند نمونه از این قصص و امثال قرآنی اشاره می‌شود:

۱. داستان اصحاب سبت؛ نمونه‌ای از نقض عهد و حیله‌گری: در این داستان، گروهی از یهودیان که از صید در روز شنبه نهی شده بودند، با حیله‌گری حوضچه‌هایی حفر کردند تا ماهی‌ها در روز شنبه در آن‌ها بیفتند و روز بعد، آن‌ها را صید کنند. قرآن، این عمل را مصداق فریب دینی معرفی می‌کند و از گرفتار شدن آنان به عذابی سخت خبر می‌دهد (نساء: ۴۷). هدف از نقل این قصه، هشدار به مؤمنان درباره عواقب خیانت در عهد الهی است. پیامبر اسلام (ص)، با یادآوری این داستان، نزدیکان خود را از حیله در امور دینی برحذر می‌داشت و بر صداقت و وفاداری در ایمان تأکید می‌کرد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۶۵/۱؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۲۴/۹؛ طوسی، ۱۳۷۱: ۱۳/۵؛ ابن‌کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق: ۱۰۹/۱).

۲. داستان باغداران؛ نمونه‌ای از بخل و انکار نعمت: گروهی از باغداران تصمیم گرفتند محصول خود را پنهانی برداشت کنند تا از انفاق به فقرا بگریزند؛ اما خداوند باغشان را نابود کرد (قلم: ۱۷-۳۳). این داستان، هشداری روشن درباره بخل و ناسپاسی در برابر نعمت‌های الهی است. پیامبر (ص)، با نقل این داستان، نزدیکان و امت خویش را به سخاوت، انفاق و یادآوری نعمت‌های الهی فرامی‌خواند (قمی، بی‌تا: ۴۰۰/۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۷۸/۱۹).

۳. داستان حضرت نوح (ع) و پسرش؛ نمونه‌ای از عاقبت نافرمانی: پسر نوح، با وجود دعوت پدر به نجات از طوفان، از فرمان الهی سرپیچی کرد و غرق شد (هود: ۴۰-۴۷). این واقعه بیانگر آن است که نسب و قرابت، جای اطاعت و ایمان را نمی‌گیرد. پیامبر (ص)، با یادآوری این داستان، خویشاوندان خود را به ایمان راستین و پرهیز از غرور خانوادگی فرامی‌خواند.

۴. مثال خانه عنکبوت؛ نمونه‌ای از سستی تکیه بر غیر خدا: قرآن، کسانی را که به غیر خدا تکیه می‌کنند، به عنکبوتی تشبیه می‌کند که خانه‌ای سست و بی‌پایه می‌سازد (عنکبوت: ۴۱). این مثال، نمادی از پوچی اعتماد به غیر خدا و هشداری به مشرکان است. پیامبر (ص)، با ذکر این مثال، اطرافیان را به توکل بر خدا و استواری در ایمان دعوت می‌کرد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹۴/۱۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۷۸/۱۶).

این نمونه‌ها نشان می‌دهد که پیامبران، با بهره‌گیری از قصه و تمثیل، نه‌تنها برای اقوام خود، بلکه برای نزدیکان و پیروانشان نیز مسیر هدایت و اصلاح را هموار می‌ساختند.

### ۲ـ۲ـ۲. استفاده از حکمت و موعظه در تربیت نزدیکان

حکمت و موعظه، دو ابزار ارزشمند دیگر در سیره پیامبران برای هدایت و اصلاح نزدیکان خطاکارند. حکمت به معنای دانایی و فهم عمیق مسائل و امور، و موعظه به معنای نصیحت و اندرز دادن به‌منظور هدایت و ارشاد است. پیامبران، با بهره‌گیری از حکمت و موعظه، می‌کوشیدند نزدیکان خود را از مسیر انحراف بازدارند و به‌سوی راه راست هدایت کنند.

قرآن کریم به پیامبر (ص) دستور می‌دهد که مردم را با حکمت و موعظه حسنه به‌سوی دین خدا دعوت کند: «ادْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (نحل: ۱۲۵). این آیه، بر اهمیت استفاده از حکمت و موعظه حسنه در دعوت به‌سوی خدا تأکید می‌کند و به پیامبر (ص) توصیه می‌کند که با مردم به بهترین شیوه به بحث و گفت‌وگو بپردازد.

موعظه حسنه، یعنی بیان اعمال نیک به‌گونه‌ای که قلب شنونده از شنیدن آن‌ها رقت یابد و پذیرای حق شود. هدف آن، هدایت و ارشاد مخاطب است، نه تحقیر و سرزنش او. پیامبران، با درک این نکته، همواره می‌کوشیدند موعظه‌های خود را با لحنی نیکو و دلسوزانه بیان کنند و از به کار بردن کلمات تند و زننده خودداری نمایند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۴ش: ۱۸۷/۲).

حکمت به معنای سنجش موقعیت، شناخت روحیات افراد و انتخاب بهترین راه برای هدایت است. به بیان دیگر، حکمت عبارت است از رسیدن به حق به‌وسیله علم و عقل؛ در صورت استدلالی خود، برهان یا حجتی است که بر مقدمات عقلی و بدیهی مبتنی است و مخاطب را بدون شک و ابهام به‌سوی حق هدایت می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۳۳/۱۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۹۳/۳؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۸۹: ۳۲۸/۳؛ طیب، ۱۳۷۸: ۲۱۱/۱۲).

بنابراین، حکمت و موعظه، دو ابزار مهم و مؤثر در تربیت و هدایت نزدیکان خطاکار توسط پیامبران الهی بوده‌اند. پیامبران، با در نظر گرفتن شرایط خاص هر فرد، شیوه موعظه و نصیحت خود را تنظیم می‌کردند. در ادامه، به نمونه‌هایی از کاربرد حکمت و موعظه در مواجهه پیامبران با نزدیکان خطاکارشان اشاره می‌شود.

### الف) حضرت ابراهیم (ع) و آزر

روش هدایتی حضرت ابراهیم (ع) در مواجهه با عمویش، آزر، نمونه‌ای برجسته از حکمت، ادب و دلسوزی در دعوت به توحید است. این روش، به دور از خشونت و اجبار، بر پایه استدلال منطقی و دلسوزی مشفقانه بنا شده است.

ابراهیم (ع)، در ابتدا با لحنی ملایم و محترمانه و با استفاده از تعبیر «یا أبتِ»، عواطف عمویش را برمی‌انگیزد و به او نزدیک می‌شود. او با طرح پرسش‌هایی تفکربرانگیز درباره بی‌فایده بودن بت‌ها، می‌گوید: «ای پدر! چرا چیزی را می‌پرستی که نه می‌شنود و نه می‌بیند و نه هیچ مشکلی را از تو برطرف می‌کند؟» (مریم: ۴۲). بدین‌سان، به عمویش مجال اندیشیدن و بازنگری در باورهایش می‌دهد (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۸۶/۸).

حضرت ابراهیم (ع)، به‌جای تحقیر و تمسخر بت‌پرستی، با استدلال منطقی به نقص و بی‌اثر بودن بت‌ها اشاره می‌کند. او با بیان دانش و آگاهی خود، «يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا» (مریم: ۴۳)، عمویش را به پیروی از خود و هدایت به راه راست دعوت می‌کند (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۸۷/۸؛ طیب، ۱۳۷۸: ۴۴۸/۱۲).

موعظه ابراهیم (ع) تنها به رد بت‌پرستی محدود نیست، بلکه تذکرات اخلاقی را نیز در بر می‌گیرد. او عمویش را از پیروی شیطان و عواقب شوم آن برحذر می‌دارد: «ای پدر! از شیطان پیروی مکن؛ زیرا شیطان نسبت به خداوند عصیانگر بود» (مریم: ۴۴).

در نهایت، با وجود نپذیرفتن دعوت ابراهیم (ع) از سوی آزر، او همچنان با احترام با عمویش برخورد می‌کند و با او خداحافظی می‌نماید: «سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا» (مریم: ۴۷). این رفتار، نشان‌دهنده بردباری و دلسوزی فراوان حضرت ابراهیم (ع) در برابر مخالفت و لجاجت است.

روش هدایتی حضرت ابراهیم (ع) در مواجهه با عمویش، درسی آموزنده برای همه دعوت‌کنندگان به‌سوی حقیقت است. این روش بر اهمیت احترام، استدلال منطقی، دلسوزی و بردباری در مسیر هدایت تأکید دارد و نشان می‌دهد که دعوت مؤثر، فراتر از اجبار و خشونت، نیازمند نرمی، حکمت و خلوص نیت است (قرائتی، ۱۳۸۳: ۲۷۶/۵).

### ب) حضرت موسی (ع) و برادرش هارون (ع) در مواجهه با بنی‌اسرائیل گوساله‌پرست

روش هدایتی حضرت موسی (ع) در مواجهه با نزدیکانش، نمونه‌ای بارز از تلفیق حکمت و موعظه است. موسی (ع)، در برابر اتفاقی که در غیاب او رخ داده بود، با وجود ناراحتی و خشم، به‌جای تحقیر و سرزنش بی‌مورد، به یادآوری مسئولیت‌ها و وظایف برادرش هارون پرداخت و با طرح پرسش، علت واقعه و موانع اقدام او را جویا شد. او به هارون (ع) گفت: «ای هارون! وقتی دیدی آن‌ها گمراه شدند، چه چیز مانع تو شد که از من پیروی کنی؟ آیا از فرمان من سرپیچی کردی؟» (طه: ۹۲-۹۳). این پرسش‌ها، زمینه بررسی نحوه انجام مسئولیت هارون و روشن شدن علت رفتار او را فراهم کرد (طیب، ۱۳۷۸: ۸۸/۱۳).

علاوه بر این، موسی (ع)، در مواجهه با بنی‌اسرائیل که بارها از مسیر حق منحرف می‌شدند، همواره می‌کوشید با تذکر نعمت‌های الهی و یادآوری عواقب نافرمانی، آنان را به توبه و اصلاح رفتار تشویق کند. او با صبر و بردباری، به پرسش‌ها و شبهات آنان پاسخ

می‌داد و با استدلال و منطق، در پی زدودن ابهامات از ذهنشان بود (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۸ش: ۸۶/۲۰؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۳۵۰/۷).

هارون (ع)، در پاسخ به موسی (ع)، با حکمت و درایت توضیح داد که کوشیده است قوم را از گوساله‌پرستی بازدارد، اما آنان از او اطاعت نکرده‌اند و او بیم داشته است که درگیری با آنان، باعث تفرقه و اختلاف در میان قوم شود.

**ج) پیامبر اکرم (ص) و نزدیکانش**

روش هدایتی پیامبر اکرم (ص) در قبال نزدیکان خطاکار، همواره بر دو رکن اساسی استوار بود: موعظه و حکمت. ایشان، با بهره‌گیری از این دو عنصر، در پی اصلاح رفتار و نگرش افراد بودند و از تندخویی و اجبار پرهیز می‌کردند.

برای مثال، می‌توان به رفتار پیامبر (ص) با نزدیکان و همسران خود اشاره کرد. پیامبر (ص)، با وجود مشکلات و اختلافاتی که میان همسرانشان وجود داشت، همواره می‌کوشیدند با مدارا و بردباری با آنان رفتار کنند و با بیان حکمت‌ها و موعظه‌های گوناگون، آنان را به رفتار نیکو و پسندیده ترغیب نمایند. ایشان تلاش می‌کردند آنان را به تفکر و تأمل درباره اعمال و رفتار خود وادار کنند و به اصلاح و بهبود رویه خویش تشویق نمایند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶۸۰/۱۹-۶۸۴؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۱۲۴/۲).

نمونه‌ای دیگر از این روش، برخورد پیامبر (ص) با عبدالله بن اُبیّ، سرکرده منافقان در مدینه، بود. با وجود فتنه‌انگیزی‌ها و کارشکنی‌های فراوان او، پیامبر (ص) نه‌تنها از او دوری نکردند، بلکه در مراسم تشییع جنازه‌اش شرکت کردند و بر او نماز خواندند. این رفتار حکیمانه، ضمن حفظ وحدت ظاهری جامعه، فرصتی برای هدایت اطرافیان و جلوگیری از تفرقه بیشتر فراهم آورد (عاملی، ۱۴۲۶ق: ۸).

ابومسعود انصاری روایت می‌کند که در حال تنبیه غلام خود بوده است. در این هنگام، صدایی از پشت سر شنید که می‌گفت: «ای ابامسعود! بدان که خداوند بر تو تواناتر است از تو بر این غلام». ابومسعود می‌گوید: «به عقب نگریستم و دیدم که پیامبر خدا (ص) است. عرض کردم: ای رسول خدا، این غلام را در راه خدا آزاد می‌کنم». پیامبر (ص) فرمودند: «اگر چنین نمی‌کردی، آتش تو را فرامی‌گرفت» (ابوفراس، ۱۳۶۹ش: ۵۸/۱).

به‌این‌ترتیب، موعظه و حکمت، دو ابزار کلیدی در روش هدایتی پیامبر (ص) نسبت به نزدیکان خطاکار بودند. ایشان، با بهره‌گیری از این دو، صرفاً در پی تنبیه و مجازات نبودند، بلکه اصلاح و هدایت افراد و در نهایت، حفظ انسجام و وحدت جامعه را دنبال می‌کردند.

این نمونه‌ها نشان می‌دهد که پیامبران الهی، در مواجهه با نزدیکان خطاکار خود، از حکمت و موعظه به‌عنوان ابزارهای اصلی هدایت و تربیت استفاده می‌کردند. آنان، با استدلال منطقی، بیان حقایق و ارائه پندهای اخلاقی، در پی بیدار کردن وجدان و اصلاح رفتار افراد بودند و در این راه، از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کردند.

## ۳. شیوه‌های اصلاحی پیامبران

مطالعه سیره پیامبران نشان می‌دهد که هدایت الهی تنها به بیان احکام و هشدارها محدود نمی‌شود، بلکه بخش مهمی از آن به اصلاح رفتاری، بازسازی اخلاقی و احیای معنوی فرد خطاکار اختصاص دارد. پیامبران نه‌تنها هشداردهنده و دعوت‌کننده بودند، بلکه در مواجهه با خطا یا لغزش، فرایندهای دقیق و مرحله‌به‌مرحله‌ای را برای بازگرداندن فرد به مسیر درست به کار می‌گرفتند. در

واقع، آنان از یک سو حافظ حرمت انسانی فرد بودند و از سوی دیگر، رسالت خود در تصحیح رفتار را به‌نحوی انجام می‌دادند که نه شخصیت فرد تحقیر شود و نه پیام الهی بی‌اثر گردد.

از تحلیل آیات و روایات مرتبط با سیره پیامبران، به‌خوبی برمی‌آید که در نگاه آنان، اصلاح رفتاری، روندی پویا، انسان‌محور و مبتنی بر شناخت دقیق شرایط فرد است. بنابراین، این بخش از مقاله می‌کوشد مهم‌ترین عناصر این روند اصلاحی را با تکیه بر شواهد توضیح دهد و نشان دهد که پیامبران الهی، در مواجهه با خطاهای نزدیکان، چگونه مجموعه‌ای از راهکارهای دقیق، اخلاقی و تربیتی را به کار می‌بردند که می‌تواند الگویی برای نظام‌های تربیتی امروز نیز باشد.

### ۳ـ۱. ایجاد فضای اعتراف و آمادگی برای پذیرش خطا

یکی از مهم‌ترین نکات در شیوه‌های اصلاحی پیامبران، فراهم کردن محیطی امن، اخلاقی و آرام برای اعتراف به خطاست. این اصل، در داستان‌های مختلف قرآنی به‌وضوح قابل مشاهده است.

#### ۳ـ۱ـ۱. نقش آرام‌سازی عاطفی پیش از مواجهه

پیامبران آگاه بودند که اعتراف به خطا برای بسیاری از انسان‌ها دشوار است و اگر فضای روانی مناسب فراهم نشود، فرد در موضع دفاعی قرار می‌گیرد و مقاومت می‌کند. یکی از بارزترین نمونه‌ها، رفتار حضرت یوسف (ع) با برادران خود است. پس از سال‌ها دوری و رنج، ایشان در مقام قدرت، به انتقام‌جویی روی نیاوردند؛ بلکه با رویکردی آمیخته با عفو و بخشش، زمینه مواجهه‌ای امن و آرام با خطاهای گذشته را فراهم کردند. جمله «لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ» (یوسف: ۹۲) نیز امنیت عاطفی و اخلاقی را به برادران بخشید و آنان را از نگرانی سرزنش و انتقام رها ساخت.

این برخورد، پذیرش خطا و بازگشت صادقانه را تسهیل کرد. چنین روشی، الگویی از اصلاح غیرتنبیهی است که پیامبران برای شکستن مقاومت‌های روانی به کار می‌گرفتند. این فضاسازی نه‌تنها زمینه توبه و ندامت برادران را تقویت کرد، بلکه به تجدید وحدت خانواده و برکت سرزمین مصر انجامید (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۸۵/۱۱-۲۸۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۱/۱۰).

نمونه دیگر، رفتار پیامبر اسلام (ص) در روز فتح مکه است. هنگامی که مشرکان به کعبه پناه برده بودند، عمر گفت: «ما امروز انتقام خواهیم گرفت». پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «امروز روز مرحمت است» و از مشرکان پرسیدند: «گمان شما امروز نسبت به من چیست؟» گفتند: «خیر است؛ تو برادر کریم ما هستی». پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «امروز کلام من همان کلام یوسف است: لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ» (قرائتی، ۱۳۸۳: ۲۷۷/۴).

نمونه دیگر، رفتار پیامبر اکرم (ص) با صحابی خود، حاطب بن ابی‌بلتعه، است که مرتکب خطایی بزرگ شده و نامه‌ای به مشرکان مکه فرستاده بود. پیامبر (ص)، با وجود آگاهی از این اقدام، با نرمی و ملایمت با او سخن گفتند و به او فرصت دادند تا انگیزه خود را بیان کند. این رفتار، حاطب را شرمنده ساخت و او را به توبه و پشیمانی واداشت (طبری، ۱۴۱۲: ۵۵۹/۲۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۴۵/۹؛ ترمانینی، ۱۳۸۵: ۱۵۴/۱).

در هر سه نمونه، فضاسازی پیامبران بر چند اصل کلیدی مبتنی بود: عفو و گذشت، ایجاد احساس امنیت و پرهیز از تهدید، گوش دادن همدلانه به توضیحات فرد خطاکار و ارائه فرصت برای جبران خطا. این اصول نه‌تنها در روابط فردی، بلکه در جوامع بزرگ‌تر

نیز قابل تعمیم‌اند و می‌توانند راهگشای حل اختلافات و برقراری صلح و آرامش باشند. با تأسی به این الگوهای رفتاری، می‌توان فضایی ایجاد کرد که در آن، پذیرش خطا نه‌تنها امری ممکن، بلکه گامی در جهت رشد و تعالی تلقی شود.

### ۳ـ۱ـ۲. پرهیز از تحقیر و سرزنش مستقیم

پیامبران در فرایند اصلاح، از تحقیر فرد خطاکار، توبیخ علنی و برچسب‌گذاری پرهیز می‌کردند؛ زیرا می‌دانستند که چنین روش‌هایی اصلاح را دشوارتر می‌سازد.

در داستان فرزندان یعقوب (ع)، پس از آنکه آنان به گناه خویش اعتراف کردند و گفتند: «إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ»، یعقوب سخنی تحقیرکننده یا برانگیزاننده شرم اجتماعی بر زبان نیاورد؛ بلکه با وعده دعا برای ایشان، «سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ»، مسیر بازسازی شخصیت آنان را هموار کرد. این نوع مواجهه، برخلاف شیوه‌های رایج اجتماعی است که معمولاً پس از خطا، فرد را با تحقیر مضاعف روبه‌رو می‌کند (حسینی شیرازی، ۱۴۲۴ق: ۴۲/۳).

### ۳ـ۲. فراهم کردن امکان جبران: وجه ترمیمی اصلاح

پیامبران تنها به اعتراف و ابراز ندامت بسنده نمی‌کردند؛ بلکه مهم‌تر از آن، راه‌هایی برای جبران خطا پیش روی فرد می‌گذاشتند. این رویکرد، همان چیزی است که در این مقاله از آن به «اصلاح ترمیمی» تعبیر می‌شود.

### ۳ـ۲ـ۱. جبران مبتنی بر عمل صالح

بسیاری از پیامبران از فرد خطاکار می‌خواستند که با انجام عمل صالح یا ترک عملی نادرست، اشتباه خود را جبران کند. نمونه بارز آن، رفتار پیامبر اسلام (ص) با برخی یاران خطاکار بود که به‌جای تنبیه، آنان را به انجام عملی هدایت می‌کردند که تأثیر خطا را از بین ببرد و موجب رشد معنوی شود. این روش در مقاله، به‌عنوان نمونه‌ای از «اصلاح مسئولیت‌پذیر» تبیین شده است.

«بلال حبشی مقداری خرمای برنی برای پیامبر (ص) آورد. حضرت به او فرمودند: از کجا آورده‌ای؟ بلال گفت: دو صاع خرمای کهنه داشتم و آن‌ها را با یک صاع خرمای برنی معامله کردم تا به پیامبر (ص) اطعام کنم. در این هنگام، پیامبر (ص) آهی کشیدند و فرمودند: این عین رباست؛ این کار را انجام نده. اما هرگاه خواستی بخری، خرما را با کالای دیگری معامله کن؛ آن‌گاه خرمای تازه بخر» (قسطلانی، ۱۳۲۳: ۱۶۶/۴).

نمونه دیگر، داستان فرزندان حضرت یعقوب (ع) است. هنگامی که آنان به اشتباه خود درباره یوسف (ع) پی بردند و نزد پدر آمدند و طلب بخشش کردند، حضرت یعقوب (ع) آنان را به توبه و استغفار تشویق کرد: «قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ»؛ «گفتند: ای پدر، برای ما از خدا آمرزش بخواه که ما خطاکار بودیم» (یوسف: ۹۷).

در آیه بعد آمده است: «قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»؛ «گفت: به‌زودی از پروردگارم برای شما آمرزش خواهم خواست؛ زیرا او آمرزنده و مهربان است» (یوسف: ۹۸). حضرت یعقوب، با دعا برای آنان و وعده طلب آمرزش، راه توبه و جبران را برای فرزندانش باز کرد.

### ۳ـ۲ـ۲. مشارکت دادن فرد در فرایند اصلاح

در بسیاری از موارد، پیامبران به فرد خطاکار اجازه می‌دادند که خود در تعیین مسیر جبران مشارکت کند.

نمونه‌ای از این روش، ماجرای کعب بن مالک و دو نفر دیگر است. در غزوه تبوک، کعب بن مالک و دو نفر دیگر از شرکت در جنگ تخلف کردند. پس از بازگشت پیامبر (ص) و نزول آیه توبه (توبه: ۱۱۸)، پیامبر (ص) آنان را پذیرفتند و راه توبه و جبران را برایشان باز کردند. آنان موظف شدند از عمل خود پشیمان شوند، استغفار کنند و در راه خدا تلاش بیشتری نمایند.

این نمونه نشان می‌دهد که پیامبر (ص)، با پذیرش توبه و ارائه راهکارهای جبران، چگونه به افراد خطاکار فرصت بازگشت و اصلاح می‌دادند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۱۳/۸؛ واقدی، ۱۴۰۹: ۱۰۵۶/۳؛ یعقوبی، بی‌تا: ۶۸/۲؛ ترمانینی، ۱۳۸۴: ۱۸۸/۱). کعب، پس از خطا، خود در فرایند اصلاح مشارکت کرد و پیامبر نیز با نگاهی مدیریتی و تربیتی، او را در مسیری قرار دادند که به بازسازی شخصیت و جامعه‌پذیری مجدد بینجامد.

این نمونه‌ها نشان می‌دهد که پیامبران الهی، راه‌های جبران اشتباهات و توبه را برای نزدیکان و پیروان خود ارائه می‌کردند و با تشویق آنان به توبه و استغفار، فرصتی برای بازگشت و اصلاح فراهم می‌ساختند. این رویکرد نه‌تنها به فرد خطاکار کمک می‌کرد تا از اشتباه خود پشیمان شود و به راه راست بازگردد، بلکه باعث تقویت روابط خانوادگی و اجتماعی و افزایش همدلی و مهربانی در جامعه نیز می‌شد.

### ۳ـ۳. بازسازی شخصیت پس از خطا: حمایت، همراهی و مراقبت

اصلاح از منظر پیامبران، تنها زدودن یک رفتار نادرست نبود؛ بلکه ترمیم شخصیت و احیای هویت اخلاقی فرد، بخش اصلی این مسیر به شمار می‌رفت.

نمونه‌ای از این رویکرد، داستان پیامبر اکرم (ص) و ماعز است. ماعز، فردی بود که مرتکب زنا شده بود و نزد پیامبر (ص) اعتراف کرد. پیامبر (ص) ابتدا کوشیدند او را از اصرار بر اعتراف منصرف کنند؛ اما وقتی اصرار او را دیدند، دستور اجرای حد دادند. پس از اجرای حد، پیامبر (ص) برای او طلب مغفرت کردند و فرمودند: «لقد تاب توبة لو تابها أهل المدينة لوسعتهم»؛ «او چنان توبه کرد که اگر اهل مدینه همان‌گونه توبه می‌کردند، برای همه آنان کافی بود» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۸۵/۷).

این حدیث نشان می‌دهد که پیامبر (ص)، حتی پس از اجرای حد، بر ارزش توبه و تطهیر معنوی فرد گناهکار تأکید داشتند.

#### ۳ـ۳ـ۱. روان‌درمانی نبوی از طریق محبت و اعتماد دوباره

محبت پیامبران نه به معنای نادیده گرفتن خطا، بلکه به معنای بازگرداندن احساس ارزشمندی و اعتمادبه‌نفس به فرد خطاکار بود. پیامبری همچون یعقوب (ع)، پس از اعتراف فرزندان، نه‌تنها آنان را طرد نکرد، بلکه با دعا و محبت، اعتماد درونی آنان را احیا کرد.

پیامبر اسلام (ص) نیز اعلام کردند: «التائب من الذنب کمن لا ذنب له»؛ یعنی توبه‌کننده از گناه، مانند کسی است که گناهی ندارد. بر این اساس، کسی که صادقانه توبه می‌کند، امکان بازیابی هویت اخلاقی خویش را می‌یابد و نباید همواره با گذشته خطاکارانه‌اش شناخته شود (متقی، ۱۴۱۹: حدیث ۱۰۱۷۴).

#### ۳ـ۳ـ۲. مراقبت پیامبران از بازگشت فرد به مسیر خطا

اصلاح، پس از اعتراف و جبران پایان نمی‌یابد. پیامبران، با پایش، پیگیری، نصیحت‌های دوره‌ای و حمایت مستمر، می‌کوشیدند فرد خطاکار را از بازگشت به مسیر خطا حفظ کنند. در سیره پیامبر اسلام (ص) نیز بسیاری از خطاکاران، با برقراری ارتباط معنوی و اخلاقی با پیامبر، مسیر جدیدی در زندگی خود برگزیدند و از بازگشت به رفتار پیشین پرهیز کردند.

### ۳ـ۴. مدیریت تعارض‌های خانوادگی: ظرافت اصلاح در میان نزدیکان

یکی از دشوارترین عرصه‌های رسالت پیامبران، اصلاح رفتار نزدیکان بود؛ زیرا روابط خانوادگی سرشار از عواطف، حساسیت‌ها و مسائل پیچیده است. پیامبران در این حوزه، به‌ویژه از روش‌هایی استفاده می‌کردند که از یک سو حرمت رابطه خانوادگی حفظ شود و از سوی دیگر، پیام الهی بی‌کم‌وکاست منتقل گردد.

#### ۳ـ۴ـ۱. حفظ حرمت فرد و پوشیده نگه داشتن خطا

پیامبران معمولاً خطاهای نزدیکان را به‌صورت علنی بیان نمی‌کردند؛ بلکه از راه‌هایی استفاده می‌کردند که هم حرمت فرد و رابطه خانوادگی حفظ شود و هم اصلاح صورت گیرد. برای مثال، ابراهیم (ع)، هرچند با آزر مخالفت می‌کند، این مخالفت را با خطاب «یا أبتِ» بیان می‌نماید؛ یعنی در اوج احترام و محبت.

#### ۳ـ۴ـ۲. بهره‌گیری از قصه برای اصلاح غیرمستقیم نزدیکان

پیامبر اسلام (ص)، در مواردی که تصریح به خطا ممکن بود باعث آسیب عاطفی یا اجتماعی شود، از قصه‌گویی و تمثیل استفاده می‌کردند. نمونه‌ای از این رویکرد، گفت‌وگوهایی است که درباره برخی رفتارهای همسران خود، با بهره‌گیری از تمثیل‌ها و آیات سوره تحریم، انجام دادند.

### ۴. تفاوت شیوه‌های پیامبران مختلف

بر اساس یافته‌های مقاله، شیوه‌های هدایتی و اصلاحی پیامبران، اگرچه در اصولی همچون محبت، حکمت، صبر، انذار و تبشیر مشترک‌اند، در روش‌های عملی، به‌دلیل تفاوت در ویژگی‌های فردی پیامبران، نوع خطا، ویژگی مخاطب و شرایط محیطی، از تنوع چشمگیری برخوردارند. چنان‌که نوح (ع)، به‌سبب لجاجت قومش، بر انذار صریح تأکید می‌کند؛ ابراهیم (ع) از محبت و استدلال همراه با نرمی بهره می‌گیرد؛ یعقوب (ع)، با صبر و دعای پدرلنه، به اصلاح فرزندان می‌پردازد؛ و پیامبر اسلام (ص)، ترکیبی از محبت، حکمت، قصه‌گویی، مدیریت اجتماعی و فضاسازی برای اعتراف و جبران را به کار می‌برد.

علاوه بر این، شرایط تاریخی و اجتماعی نیز نقشی تعیین‌کننده در انتخاب روش‌ها داشته است. در تحلیل ارائه‌شده در این مقاله، جوامع بدوی نیاز بیشتری به انذار شدید داشته‌اند؛ جوامع اهل کتاب با استدلال و گفت‌وگو اصلاح می‌شدند؛ پیامبران فاقد قدرت اجتماعی، از صبر و دعوت آرام استفاده می‌کردند؛ و پیامبر صاحب حکومت، اصلاح را با تدبیر سیاسی و ارائه راه‌های جبران همراه می‌ساخت.

در مجموع، سیره پیامبران نشان می‌دهد که اصول هدایت ثابت‌اند، اما روش‌ها «شرایط‌محور» و متناسب با مخاطب انتخاب می‌شوند؛ امری که این الگو را برای زمینه‌های تربیتی و مدیریتی امروز نیز کارآمد و الهام‌بخش می‌سازد.

## ۵. عوامل عدم تأثیرگذاری شیوه‌های هدایت پیامبران

### ۵ـ۱. لجاجت و عناد مخاطبان

نمونه برجسته این عامل، رفتار پسر نوح است که با وجود هشدارهای صریح پدر، به‌دلیل لجاجت، هدایت را نپذیرفت. این مانع در آیات متعدد قرآن درباره اقوام نوح، عاد، ثمود و لوط منعکس شده است (هود: ۴۲-۴۷؛ شعراء: ۱۶۵).

### ۵ـ۲. فساد گسترده اجتماعی و فرهنگی

هنگامی که انحراف در جامعه «عمیق» و «عمومی» باشد، امکان اثرگذاری هدایت فردی کاهش می‌یابد؛ مانند قوم لوط، که فساد اخلاقی ریشه‌دار موجب شد هشدارهای لوط (ع) بر آنان اثر نگذارد (شعراء: ۱۷۶-۱۸۹).

### ۵ـ۳. خودباختگی در برابر فرهنگ محیط یا اکثریت فاسد

در جوامعی که فساد به «هنجار» تبدیل شده بود، افراد از پیامبران تأثیر نمی‌پذیرفتند؛ زیرا نفوذ فرهنگی محیط، اثر پیام هدایت را کم‌رنگ می‌کرد. نمونه آن، قوم شعیب (ع) و فساد اقتصادی رایج در میان آنان است (هود: ۸۹).

### ۵ـ۴. غلبه هواهای نفسانی و منافع دنیوی

در مواردی، پیامبران با افرادی روبه‌رو بودند که منافع شخصی و دنیوی آنان با هدایت در تعارض بود و این امر، پذیرش دعوت را دشوار می‌کرد. رفتار منافقانی مانند عبدالله بن اُبیّ در برابر پیامبر (ص)، نمونه‌ای روشن از این عامل است (عاملی، ۱۴۲۶ق: ۸).

### ۵ـ۵. ضعف ایمان یا عدم باور به پیامبر

بسیاری از مخاطبان، به‌ویژه نزدیکانی که از ابتدا ایمان نیاورده بودند، پیام پیامبر را صرفاً سخن یک «عضو خانواده» تلقی می‌کردند، نه پیام الهی. این نگاه، اثرگذاری هدایت را کاهش می‌داد (ابراهیم: ۳۵-۳۶؛ مریم: ۴۲؛ انبیاء: ۵۲-۶۰).

مقاله نشان می‌دهد که عدم تأثیرگذاری شیوه‌های هدایتی پیامبران، نه به نقص روش‌های آنان، بلکه به ساختار روانی، فرهنگی و اجتماعی مخاطبان بازمی‌گردد. عواملی مانند لجاجت، فساد محیط، اغراض نفسانی و نبود آمادگی روحی، مهم‌ترین موانع تأثیر هدایت الهی بوده‌اند.

## نتیجه‌گیری

بررسی سیره پیامبران نشان می‌دهد که هدایت و اصلاح از منظر آنان، دو مرحله پیوسته و مکمل‌اند: مرحله نخست، ایجاد بیداری و آگاهی در مخاطب؛ و مرحله دوم، بازگرداندن فرد خطاکار به مسیر درست، از طریق اصلاح ساختاری رفتار. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که پیامبران در هر دو مرحله، مجموعه‌ای حکیمانه از روش‌های متناسب با وضعیت فرد، شرایط اجتماعی و مصالح رسالت الهی را به کار می‌گرفتند.

در حوزه هدایت، به‌کارگیری دو طیف روش‌های مستقیم و غیرمستقیم، انعطاف‌پذیری و واقع‌بینی پیامبران را آشکار می‌سازد. روش‌های مستقیم، مانند انذار، تبشیر، استدلال، مناظره و خطاب صریح، بیشتر در شرایطی به کار گرفته می‌شدند که خطا آشکار بود، انحراف گستردگی داشت یا نیاز به واکنش فوری وجود داشت. در مقابل، روش‌های غیرمستقیم، مانند قصه‌گویی، تمثیل و موعظه غیرخطابی، در موقعیت‌هایی مناسب بودند که اصلاح، به زمینه‌سازی روانی، حفظ حرمت فرد یا دعوت به تأمل درونی نیاز داشت. این تنوع نشان می‌دهد که پیامبران، شیوه‌ای ثابت و یک‌بعدی نداشتند، بلکه با شناخت دقیق موقعیت، روش مناسب را انتخاب می‌کردند.

نتایج بخش دوم مقاله نیز روشن ساخت که پیامبران تنها به بیان پیام و دعوت بسنده نمی‌کردند، بلکه برای اصلاح واقعی رفتار، راهکارهای دقیق و مرحله‌به‌مرحله داشتند. روش‌هایی چون ایجاد فضای اعتراف، فراهم کردن امکان جبران، حمایت پس از توبه، نشان دادن راه عملی بازگشت و پیگیری مداوم رشد فرد، بخش بنیادین شیوه‌های اصلاحی پیامبران را شکل می‌دهد.

نمونه‌های عملی در زندگی پیامبر اسلام (ص)، یوسف (ع)، یعقوب (ع) و موسی (ع) نشان می‌دهد که پیامبران، پس از پذیرش خطا توسط فرد، او را رها نمی‌کردند، بلکه با تدبیر، مراقبت و راهنمایی، مسیر بازسازی شخصیت و رفتار را برای او هموار می‌ساختند.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که سیره پیامبران، الگویی دوسویه و مکمل ارائه می‌کند: نخست، هدایت آگاهانه با روش‌هایی متناسب با مخاطب؛ و دوم، اصلاح رفتاری با رویکردی حمایتی، ترمیمی و رشدآفرین. ترکیب این دو بخش ـــ هدایت و اصلاح ـ نشان می‌دهد که پیامبران در مدیریت خطا، الگویی جامع، انسان‌محور، انعطاف‌پذیر و متناسب با شرایط زمانی ارائه کرده‌اند. چنین رویکردی نه‌تنها برای حوزه‌های کلامی و معرفتی اهمیت دارد، بلکه می‌تولند در تربیت خانوادگی، مدیریت تعارض‌های اجتماعی، اصلاح رفتاری و نظام‌های آموزشی امروز نیز الهام‌بخش و کاربردی باشد.

ملاحظات اخلاقی:

**حامی مالی: این پژوهش هیچ کمک مالی از سازمان های تأمین مالی دریافت نکرده است.**

**تعارض منافع: طبق اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.**

**برگرفته از پایان نامه/رساله: این مقاله برگرفته از رساله/پایان نامه نمی باشد**

## منابع


قرآن کریم.

ابن‌کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون، چاپ اول.

ابن‌کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر (۲۰۱۰م). قصص الأنبیاء. بیروت: دارالکتب العلمیة.

ابن‌فارس، احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. تصحیح عبدالسلام محمد هارون. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.

ابن‌هشام، عبدالملک (بی‌تا). السیرة النبویة. بیروت: دارالمعرفة.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۳۷۶ش). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. تصحیح محمدجعفر یاحقی. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

ابوفراس، ورام (۱۳۶۹ش). مجموعه ورام: آداب و اخلاق در اسلام. ترجمه محمدرضا عطایی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.

ترمانینی، عبدالسلام (۱۳۸۵ش). رویدادهای تاریخ اسلام. ترجمه جمعی از پژوهشگران، با نظارت سیدعلیرضا واسعی. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ق). تفسیر روان جاوید. تهران: انتشارات برهان، چاپ سوم.

جعفری، محمدتقی (۱۳۹۲ش). قرآن نماد حیات معقول. مؤسسه تدوین و آثار علامه جعفری.

جوهری، ابونصر (۱۴۰۱ق). الصحاح؛ تاج اللغة و صحاح العربیة. تحقیق احمد عبدالغفور عطار. بیروت: دارالعلم للملایین.

حاجی عبدالباقی، مریم؛ بیات، وحیده (۱۳۹۷ش). «روش‌های دعوت پیامبران مرسل به توحید». نامه الهیات، سال یازدهم، شماره ۴۵، صص ۳۱-۵۴.

حسینی‌زاده، علی (۱۳۸۴ش). سیره تربیتی پیامبر و اهل‌بیت. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.

حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳ش). تفسیر اثنی‌عشری. تهران: انتشارات میقات، چاپ اول.

دیوبندی، محمود حسن (۱۳۹۴). تفسیر کابلی. تهران: انتشارات احسان.

ذهبی، شمس‌الدین (۱۴۰۹ق). تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام. بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ دوم.

راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. تحقیق صفوان عدنان داودی. دمشق: دارالقلم.

زبیدی، سیدمحمدمرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. تصحیح علی هلالی و علی شیری. بیروت: دارالفکر، چاپ اول.

سبحانی، جعفر (۱۳۷۹ش). السیرة المحمدیة. قم: مؤسسه امام صادق (ع).

طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصرخسرو.

طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفة.

طریحی نجفی، فخرالدین (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین. تحقیق حسینی اشکوری. تهران: انتشارات مرتضوی.

طوسی، جعفر بن محمد (۱۳۷۱ش). التبیان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طیب، سیدعبدالحسین (۱۳۷۸ش). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم.

عاملی، سیدجعفر مرتضی (۱۴۲۶ق). ترجمه کتاب الصحیح من سیرة النبی الأعظم (ص). قم: دارالحدیث.

عمید، حسن (۱۳۶۴). فرهنگ عمید. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

قسطلانی، احمد بن محمد (۱۳۲۳ق). إرشاد الساری. مصر: المطبعة الکبری الأمیریة، چاپ هفتم.